

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۱۵، گزیده‌ای از مثال‌ها در مورد چگونگی تصمیم‌گیری



گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴

خب، به دو سخنرانی پایانی این مجموعه در مورد الهیات کتاب مقدس شناخت اراده خدا رسیدیم. بیشتر مطالبی که به شما ارائه دادم، همان چیزی بود که در ابتدای اسلایدها به شما گفتم، یعنی اینکه سعی داشتم ماهیگیری را به شما یاد بدهم، نه اینکه فقط ماهی بدهم. بیشتر متون مربوط به شناخت اراده خدا، گام‌هایی را به شما نشان می‌دهند؛ این گام‌ها را بردارید و زندگی فوق‌العاده خواهد شد.

بسیاری از این موارد از نظر کتاب مقدس درست هستند، اما به گونه‌ای سازماندهی نشده‌اند که شما را وادار به ایجاد سیستمی کنند که به موجب آن بتوانید در فرآیندهای تشخیص خود رشد کنید. آن مسئله‌ی ذهن جهان‌بینی و مجموعه‌ی ارزش‌های دگرگون‌شده‌ی جهان که در مورد آن صحبت می‌کنیم بسیار حیاتی است؛ رومیان ۱۲: ۱ و ۲، من سعی کرده‌ام آن را کمی برای شما باز کنم و چند پیشنهاد در مورد چگونگی تبدیل شدن به یک تصمیم‌گیرنده‌ی کتاب مقدس به شما ارائه دهم. این اتفاق یک شبه نمی‌افتد و ساده نیست.

یعنی باید مطالعه و تحقیق کنید. این بخشی از زندگی است. اگر در زمینه کامپیوتر یا حوزه دیگری مشغول به کار هستید، شغل شما در این زمینه تأثیر خواهد گذاشت.

باید درس بخوانی، باید مدارکی کسب کنی، باید بدانی چه کار می‌کنی. همین امر در مورد یک مسیحی نیز صادق است؛ این یک پیاده‌روی در پارک نیست که در آن مسیحی شوی و خدا یک دیسک را در سرت فرو کند و همه چیز بی‌عیب و نقص باشد؛ این طور پیش نمی‌رود. باید در فیض و دانش مسیح و در ظرفیت خود برای به‌کارگیری جهان‌بینی و سیستم ارزشی که خدا در اختیار ما قرار داده است، در مورد مسائلی که با آنها روبرو می‌شویم، رشد کنی.

خب، من قصد دارم به چند مورد فکر کنم. ما هیچ کاری که من آن را یک پیشرفت جدی می‌نامم، انجام نخواهیم داد. ما به یک کلاس درس نیاز داریم، رک و پوست کنده، برای این کار به زمان برای تعامل و غیره نیاز داریم.

اما می‌خواهم چند ایده به شما بدهم و پیشنهاد بدهم که چگونه می‌توانید آنها را حل کنید. بنابراین امیدوارم که شما درس پانزدهم را دانلود کرده باشید. این درس پانزدهم، درس پانزدهم، موارد تشخیص است.

من قصد دارم در مورد تعدادی از مواردی که در زندگی پیش می‌آیند، چیزهای زیادی بگویم. این در واقع همان چیزی است که ما آن را بخش چهارم می‌نامیم، تمرین تصمیم‌گیری بر اساس جهان‌بینی و نظام ارزشی کتاب مقدس. و در اینجا فقط یک سخنرانی وجود دارد که تکالیف زیادی برای انجام دادن به شما می‌دهد و به شما کمک می‌کند تا انواع چیزهایی را که باید در مورد آنها فکر کنید، ببینید.

و شما می‌توانید موارد خودتان را به آن اضافه کنید. من یک سخنرانی دیگر، سخنرانی ۱۶، خواهم داشت که آن را پیوست می‌نامم، که فقط می‌خواهم به آن اشاره کنم. جزئیاتی دارم که به شما ارائه خواهم داد، اما فقط می‌خواهم برخی از دیدگاه‌های رقیب را که غالب هستند، نه غالب، اما در شناخت اراده خدا برجسته هستند، برجسته کنم. خواهیم دید که چگونه از دیدگاه من با آن ارتباط برقرار می‌کنیم.

بسیار خب. بنابراین، دانستن اراده خدا، ایمان مسیحیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیایید در مورد این فکر کنیم.

مثلاً، منظورم این است که اینها مسائل بسیار رایجی هستند، فکر می‌کنم. سن به بسیاری از آنها مربوط می‌شود. وقتی جوان‌تر هستید و تازه ازدواج می‌کنید، در بسیاری از فرهنگ‌ها، مسئله کنترل بارداری مطرح است.

خب، اگر کتاب مقدس بهانه‌ای نداشته باشد، به این صورت است که شما یک قرص یا ایمپلنت یا چیزی شبیه به آن تهیه می‌کنید. آنها در دنیای باستان روش‌های خاص خود را برای این نوع چیزها داشتند. آنها همچنین اگر فرزند ناخواسته‌ای داشتند، در معرض خطر قرار می‌گرفتند، که خیلی زنده بود که اجازه دهند آن کودک به مرگ طبیعی بمیرد.

این روش آنها برای سقط جنین بود. خب، کنترل بارداری. حالا، اگر قرار است به این سوال پاسخ دهید، از خودتان می‌پرسید، آیا آیات مستقیم کتاب مقدس برای پاسخ به این سوال دارم؟ آیا آیات ضمنی کتاب مقدس دارم یا باید آنها را خلاقانه بسازم؟ و شما متنی که به شما بگوید از روش کنترل بارداری استفاده کنید، پیدا نخواهید کرد.

بلکه، متونی مانند استعاره‌ی مزامیر را خواهید یافت: خوشا به حال کسی که ترکشش پر است. ترکش چیزی بود که تیرها را در آن نگه می‌داشتید. آن یک وسیله‌ی شکار باستانی بود.

و آن آیه به فرزندان اشاره دارد. خوشا به حال کسی که ترکشش پر است. فرزندان بسیار

خب، در دنیای کشاورزی باستان، خانواده‌های بزرگی داشتیم چون به کارگر نیاز داشتیم، راستش را بخواهید آنها بزرگ می‌شدند تا کشاورزی کنند، گوسفندان را چرا کنند، از باغ‌ها و تاکستان‌ها و غیره مراقبت کنند. این بخش بزرگی از توانایی زنده ماندن بود.

همه چیز حول محور خانواده می‌چرخید. شغل شما مزرعه بود. و این درست است.

این در اوایل آمریکا صادق بود. خانواده‌های بزرگ. کنترل مولید تقریباً بی‌سابقه بود، اما داشتن ۱۰ تا ۱۵ فرزند رایج بود.

و بعد بچه‌ها به خاطر کاری که قرار بود در مزارع انجام شود، خیلی مهم بودند. و بنابراین، کنترل زاد و ولد در دنیای مدرن رویکرد متفاوتی داشته است. و رک و پوست کنده، این رویکرد واقعاً، مگر نه، ناشی از خواسته‌های خودخواهانه‌ی خودمان است؟ اگر بچه نداشته باشم، تمام پول را برای خودم، همسرم و خودم نگه می‌دارم. اگر بچه نداشته باشم، آن صدها هزار دلار هزینه از بدو تولد تا دانشگاه و غیره برای بچه را ندارم.

بنابراین، خودخواهی زیادی در این امر دخیل است. دستور کتاب مقدس بچه‌دار شدن است. کتاب مقدس به شما دستور نمی‌دهد که تصمیم بگیرید آیا بچه می‌خواهید یا نه.

وظیفه این است که زمین را پر کنید و تکثیر شوید. حالا شما می‌گویید، خب، آن مربوط به زمانی بود که زمین پر نبود. الان پر شده است.

خب، فرهنگ‌ها و زمانه در حال تغییر هستند. شما این را در فرآیند تصمیم‌گیری خود لحاظ می‌کنید. بنابراین کنترل بارداری باید یک ساختار خلاقانه باشد زیرا ما آیات مستقیم و حتی آیات ضمنی نداریم زیرا همه چیز در جهت مخالف است.

بنابراین، پس باید این سوال را بپرسید، خب، اگر من از روش‌های پیشگیری از بارداری استفاده کنم، آیا من یک فرد کتاب مقدسی نیستم؟ ضمناً، کلیسای کاتولیک روم اغلب مخالف کنترل بارداری بوده است زیرا می‌خواسته شما فرزندان زیادی داشته باشید و فکر می‌کرده که این روش کتاب مقدس است. و من قصد ندارم. در این مورد اظهار نظر قطعی کنم. من و همسرم فرزندی نداشته‌ایم.

او در کودکی تب روماتیسمی داشت و این موضوع آینده شما را عقیم می‌کند. بنابراین، ما از نعمت بچه‌دار شدن برخوردار نبوده‌ایم، اما این انتخاب ما نبوده است. بسیاری از اوقات این انتخاب مردم نیست.

بنابراین، این چیزی است که هنگام تصمیم‌گیری در مورد آن خواهید دید. شما متن اثبات‌شده‌ای ندارید. باید در مورد آن تأمل کنید.

و اینجا شما در مخمصه هستید زیرا کتاب مقدس و زمان‌های مربوط به آن، زمان‌هایی بودند که این انتظار می‌رفت. این یک هنجار بود. برای کار در زندگی کشاورزی و داشتن وارث، داشتن فرزند ضروری بود.

این سیستم تأمین اجتماعی شما بود، به خصوص برای فرزند اول و فرزندان مرد، که سیستم تأمین اجتماعی، برای خانواده بود. بنابراین، فرهنگ‌ها بسیار متفاوت هستند. بنابراین ما در تلاش برای جستجوی خدا، سوالات بسیار متفاوتی را در مورد کنترل زاد و ولد مطرح می‌کنیم.

بنابراین این چیزی است که شما مطالعه می‌کنید. شما به دنبال حکمت از سنت‌های خودتان، از کلیسایتان، و از مطالب الهیاتی که به طور کلی می‌خوانید، می‌گردید تا ببینید آنها چه می‌گویند. مورد دیگر فناوری تولید مثل است.

فرض کنید می‌خواهید بچه‌دار شوید، اما نمی‌توانید. از لقاح مصنوعی استفاده می‌کنید. شما یک فرزند دارید، یک کودک خردسال بیمار، و به گفته پزشک، برای سالم کردن فرزندان به بافت جنینی دیگری نیاز دارید.

این یعنی آن کودک صرفاً برای اینکه بحث پیش نرود، نمی‌گوید که به طور طبیعی سقط شده است. وجدان شما در مورد استفاده از بافت جنینی آن کودک چیست؟ یا حتی بسیاری از کودکانی که سقط می‌شوند، در این ترکیب علمی قرار می‌گیرند. بنابراین، سوالات زیادی وجود دارد که کتاب مقدس در مورد آنها توضیحی ارائه نمی‌دهد.

باید بپرسید، جهان‌بینی مسیحی و نظام ارزشی من چیست، و چگونه باید به این موضوع پردازم؟ این کار آسانی نیست. ساده نیست. باید بگردید و ببینید چه افرادی صلاحیت نوشتن در مورد این چیزها را دارند، نه کسی که می‌خواهد به شما بگوید چه فکری می‌کند.

این را فراموش کنید. وقتی می‌خواهید چیزی را بدانید، باید این سوال را بپرسید. آیا شخصی که من می‌خوانم در موقعیتی است که او را بشناسد، در موقعیتی است که بتواند درست صحبت کند؟ این یعنی در مورد مسائل مربوط به تولید مثل؛ ممکن است لازم باشد با یک پزشک و یک متخصص الهیات مشورت کنید.

یک متکلم از دیدگاه جهان‌بینی کتاب مقدس به آن نگاه می‌کند، و یک پزشک از دیدگاه علمی به آن نگاه می‌کند. شما اینجا طیف وسیعی از چیزها را دارید. خب، این کار زیادی است.

و شما خواهید گفت، من این را قبول نداشتم. خب، اگر قبول نداشتید، پس چه چیزی را قبول داشتید؟ چطور می‌خواهید تصمیماتتان را بگیرید؟ چون بالاخره به هر حال تصمیم می‌گیرید. حداقل دلیلی برای کاری که کردید ندارید.

سقط جنین مورد دیگری است. ما در واقع چیزی که بتوانیم آن را متن مستقیم در مورد سقط جنین بنامیم نداریم. من فکر می‌کنم متون ضمنی زیادی داریم.

حالا، ممکن است بگویید، خب، وقتی بچه‌ها را رسوا کردند، موسی رسوا شد. او را در نزارها گذاشتند. این چیزی بود که آنها می‌خواستند: خلاص شدن از شر مردان، کودکانی که به دنیا می‌آمدند، پسران و نوزادان.

و آنها را برای افشاکاری بیرون انداختند. این روش قدیمی بود. و شما نمی‌توانید بگویید، شما قرار نیست از آن به عنوان مدرک استفاده کنید، درست است؟ شما قرار نیست فرزندتان را بردارید، او را در سبیدی در کانال بیندازید، به زندان خواهید رفت.

سقط جنین در دنیای باستان آشکار شد. خب، امروز، ما همه این فناوری‌های پیشرفته را داریم. و شما این بحث بزرگ را دارید که چه زمانی جنین به یک شخص تبدیل می‌شود؟ به طور سنتی، کلیسای مسیحی گفته است که لقاح زمانی است که جنین به یک شخص تبدیل می‌شود.

و بعد قرص ضدبارداری صبحگاهی برای تجاوز و زنا با محارم و چیزهایی از این قبیل وجود داشت. و آنها می‌توانستند قبل از اینکه بچه روی دیواره رحم کاشته شود، آن را گرو بگذارند. در نتیجه، سقط جنین محسوب نمی‌شد.

بنابراین، آنها قرص ضدبارداری روز بعد را داشتند. تعریف زمان شروع زندگی با گذشت زمان تغییر کرده است. قبلاً اینطور بود که زندگی از زمان لقاح آغاز می‌شود.

داوود در مزمو ۵۱ در مورد آن صحبت می‌کند، و مادرم مرا در گناه آبتن شد. این به آن معنا نیست که رابطه جنسی گناه است، بلکه به این معناست که من یک شخص بودم و از زمان لقاح گناهکار بودم. خب البته، در دنیای مدرن، آنها بسیاری از این موارد را تغییر داده‌اند.

پزشکان مقداری از آن را تغییر دادند. برای مثال، پزشکان این ایده را مطرح کردند که فرد از زمانی شروع می‌شود که این، من آن را جنین می‌نامم، من دانشمند نیستم، شاید اشتباه بگویم، اما زمانی که به دیواره رحم کاشته می‌شود تا بدنش و همه چیزهای دیگر شروع به رشد کند. بنابراین، آنها تعریف را از این نظر تغییر دادند.

اخیراً، فیلسوفان بیشتر از پزشکان درگیر این بحث شده‌اند. در آمریکا، ایالات متحده، ما چیزی داریم که آنها آن را گروه «فرزندپروری برنامه‌ریزی شده» می‌نامند. «فرزندپروری برنامه‌ریزی شده» حتی تا زمان تولد طرفدار سقط جنین است.

بنابراین آنها از نظر فلسفی، نه علمی، بلکه فلسفی، تعریف را تغییر دادند. تا برای خودشان راحت‌تر شود و اعمالشان را توجیه کنند. و می‌گویند که یک شخص تا زمانی که به دنیا نیامده، شخص نیست.

و من دقیقاً مطمئن نیستم که آنها چگونه این موضوع را کشف می‌کنند، زیرا داستان‌هایی در مورد سقط جنین پس از زایمان به دلایلی وجود دارد. من در این زمینه متخصص نیستم، اما همه شما در هر فرهنگی از این موضوع سقط جنین بسیار آگاه هستید. شما، اگر می‌خواهید اراده خدا را انجام دهید، باید درک کنید که کتاب

مقدس در مورد زندگی، احترام به زندگی و اینکه چه کسی زندگی را کنترل می‌کند، چه تعلیم می‌دهد، زیرا از آنجا اطلاعات خود را دریافت می‌کنید.

شما برای پرداختن به این موضوع، به یک مفهوم ضمنی مبتنی بر خلاقیت نیاز خواهید داشت. هیچ مدرکی وجود ندارد. اتانازی (مرگ آسان) نیز در همین دسته قرار می‌گیرد.

حتی اتانازی به کمک پزشک. حتی خودکشی. ما چند مورد خودکشی در کتاب مقدس داریم، اما هیچ تعلیمی در مورد درست یا غلط بودن آن، یا نحوه انجام آن، و تمام آن مسائل مربوط به اتانازی، خودکشی به کمک پزشک یا خود خودکشی نداریم.

با این حال، شما باید این را در جهان بینی خود داشته باشید. بنابراین، باید از نردبان مفاهیم ضمنی مستقیم به ساختارهای خلاقانه صعود کنید تا بتوانید در اینجا در مورد این موضوع صحبت کنید. بنابراین، چگونه در مورد آن صحبت می‌کنید؟ وقتی در مورد آن صحبت می‌کنید، کتاب مقدس چگونه زندگی را ارائه می‌دهد؟ چه کسی زندگی می‌بخشد؟ چه کسی زندگی را کنترل می‌کند؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد چه زمانی به گور بروید؟ متون شاعرانه‌ای وجود دارد که در مورد این موضوع صحبت می‌کنند.

قصه نداشتن به سوال ما پاسخ بدهم، اما منظورم دیدگاه آنها نسبت به زندگی بود، و این بخشی از کتاب مقدس است، و بنابراین چیزی است که شما آن را جدی می‌گیرید. ردیابی این موضوع آسان نیست، نه؟ می‌بینید، شما فکر می‌کردید که دانستن اراده خدا به این معنی است که آیا به عنوان وسیله نقلیه بعدی خود یک شورتل بخرید یا یک فورس. خب، این حرف‌های بچگانه است.

اینجا چیزهای واقعی وجود دارد. علم ژنتیک. شبیه‌سازی

در واقع نوزادانی شبیه‌سازی شده‌اند تا اعضای بدن نوزادان دیگر را فراهم کنند تا بتوانند زندگی کنند. برخی از این کارها قانونی و برخی غیرقانونی است. دانشمندان در واقع بحث‌های زیادی در مورد اخلاق علوم ژنتیک و دارند DNA دستکاری کد.

کارهایی که علم قادر به انجام آنها شده است. کارهای شگفت‌انگیز. از بعضی جهات کارهای خوبی هستند، اما بحث اخلاق را پیش می‌کشند.

و روی هم رفته، دانشمندان علاقه‌ای به اخلاق ندارند. آنها فقط به علم علاقه‌مندند. و دانشمندان ملحد و لاداری را در نظر بگیرید، و آنها هر نوع دیدگاه مذهبی نسبت به زندگی را، صرف نظر از اینکه چه دینی باشد، نادیده می‌گیرند.

بنابراین، علم ژنتیک، شبیه‌سازی، استفاده از بافت جنینی و چیزهای بیشتری که می‌دانم. من یک دهه پیش چند مقاله در این مورد نوشتم و از آن زمان زیاد به آن نگاه نکرده‌ام، بنابراین، من منبعی برای دانستن آن نیستم. اما اینها نیاز به ساختارهای خلاقانه از کتاب مقدس دارند.

کتاب مقدس هیچ کدام از این موارد را مستقیماً برای صحبت کردن نداشت. وقتی صحبت می‌کند، باید تشخیص دهید که چه می‌گوید. مسائل مربوط به تراجنسیتی‌ها.

خب، این کمی آسان‌تر است زیرا کتاب مقدس کاملاً روشن می‌کند که ما مرد و زن آفریده شده‌ایم و قرار است بچه داشته باشیم و بچه‌ها یا مرد هستند یا زن. و کتاب مقدس حرف‌های زیادی در مورد انحرافات جنسی دارد. من اینجا به این موضوع نمی‌پردازم، اما این بحث دیگری است.

احتمالاً حتی در ادامه به آن اشاره خواهم کرد. بنابراین مسائل مربوط به تراجنسیتی‌ها. به نظر من، قضیه مخالف این است.

اما شما باید دلایل خودتان را برای نه گفتن داشته باشید. مسائل جنسی. به عنوان مثال، همجنس‌گرایی و لزبین بودن در هر دو عهد عتیق و جدید محکوم شده است.

می‌دانم که برخی لیبرال‌ها کتاب‌هایی نوشته‌اند و با متن، حرکات نمایشی تفسیری انجام می‌دهند. اما واقعیت این است که کتاب مقدس نسبتاً واضح‌تر است. حتی کتاب رومیان نیز به آن پرداخته است.

ازدواج همجنس‌گرایان نیز در همین دسته قرار می‌گیرد. بنابراین، کلیسای مسیحی عموماً مخالف این ابراز تمایلات جنسی بوده است. ما از این افراد متنفر نیستیم، بلکه معتقدیم که آنها مسیری را که توسط خدایی که آنها را آفریده، تعیین شده است، دنبال نمی‌کنند.

و این باید به روش‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال، وضعیت همجنس‌گرایی، صرف نظر از اینکه مرد باشد یا زن. همه ما در خانواده خود کسی را داریم که در این دسته قرار می‌گیرد.

و بسیاری از اوقات، از نظر خوب بودن، مهربان بودن و مفید بودن، بهترین فرد خانواده است. من بارها متوجه این موضوع شده‌ام. آیا متوجه شده‌اید که چه تعداد هنرمند در بالاترین سطوح هنری در این حوزه فعالیت دارند؟ خب، اما آیا این موضوع را توجیه می‌کند؟ نه.

اگر جهان‌بینی کتاب مقدسی داشته باشید، نه تنها ذهن ما و زمین، بلکه انسان‌ها نیز در اثر سقوط و تحریف آن چیزی نیست که خدا در ابتدا طراحی کرده باشد. این کد به طرق مختلف DNA دچار تحریف شده‌اند. کد تحریف شده است.

و بنابراین کل این بحث در مورد همجنس‌گرایی، جایی که متن واضح است، مردم متن را رها می‌کنند و وارد بحث در مورد درست یا غلط بودن آن می‌شوند. و آنها در مورد تربیت و طبیعت صحبت می‌کنند. آیا شما با آن تربیت شده‌اید یا بخشی از طبیعت شماست؟ و برخی از مسیحیان خواهند گفت، خب، نمی‌تواند بخشی از طبیعت شما باشد.

خدا آدم و حوا را اینطور خلق نکرد. درست است. با این حال، طبیعت شما با سقوط به هم ریخته است.

بنابراین، مسائل زیادی برای بررسی وجود دارد. این مطالب بحث‌های طبقه‌بندی بالایی هستند. با این حال شما سعی دارید تصمیم بگیرید که اراده خدا چیست.

خب، شما می‌توانید تصمیمات سطحی بگیرید، که اکثر ما صلاحیت تصمیم‌گیری‌های سطح بالاتر را نداریم پس چه کار کنیم؟ ما نوشته‌های افرادی را می‌خوانیم که در موقعیتی هستند که می‌توانند بدانند، در موقعیتی هستند که می‌توانند بر اساس علم قضاوت منطقی انجام دهند و همچنین قضاوت‌های منطقی بر اساس ارتباط کتاب مقدس با آن موضوع داشته باشند. مورد دیگری که بعد از صحبت در مورد آنها، کمی ملایم به نظر می‌رسد، مسئله جنگ است.

در مورد جنگ چطور؟ در مورد کشتار جمعی چطور؟ در مورد بمب‌هایی که بر سر ژاپن ریخته شد چطور؟ در مورد جنگ شیمیایی در خاورمیانه که حتی در بین مردم خودشان هم گزارش شده چطور؟ جنگ. در مورد دفاع از خود چطور؟ آیا این قتل را مجاز می‌داند؟ آیا کشتن را مجاز می‌داند؟ در مورد صلح‌طلبی چطور؟ اگر

،مسیحی هستید، آیا باید صلح طلب باشید؟ خب، اینجا دوباره، کتاب مقدس جنگ را معرفی می کند. در واقع خدا به آن فرمان داده است.

در مورد کنعانیان، همه آنها را بکشید. این بخشی از ماجراست

و حتماً توضیحی وجود دارد. بنابراین، اینها چالش برانگیز هستند. در واقع، یکی از مجموعه کتاب‌هایی که باید جمع‌آوری کنید، مجموعه «نقاط مقابل» نام دارد.

«فکر می‌کنم زوندروان، بیکر، و همچنین به ویژه کرگل، یک مجموعه دارند. همه آنها به آنها «نقاط مقابل نمی‌گویند، اما زوندروان این کار را می‌کند. زوندروان احتمالاً ۵۰ جلد کتاب در مورد چهار دیدگاه در مورد جنگ، چهار دیدگاه در مورد صلح‌طلبی و چهار دیدگاه در مورد همجنس‌گرایی دارد.

. مطالعه و توانایی را برای شما آسان‌تر می‌کند